

## اثر انواع هنر عمومی در فضاهای شهری بر نشاط درک شده جوانان

ابوالفضل عبدالهی فرد<sup>۱</sup>

شیوا ولایتی<sup>۲</sup>

### چکیده

در سال‌های اخیر، هنر عمومی روند جدیدی در فضاهای شهری به خود گرفته است به طوری که شهرها سرمایه‌گذاری زیادی روی طراحی و اجرای آثار هنری عمومی و ارتقاء کیفیت بصری فضاهای شهری می‌کنند. این مقاله با هدف بررسی اثر انواع هنر عمومی در فضاهای شهری بر ارتقاء نشاط درک شده جوانان ارائه شده است. تحقیق حاضر از نوع تحقیق بصری یا خواش تصویری به شیوه پیمایشی انجام شده است. جامعه هدف جوانان بوده که به روش نمونه گیری احتمالی و از نوع تصادفی ساده از بین دانشجویان دختر و پسر در مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد در رده سنی ۳۵-۱۸ سال دانشگاه تبریز و موسسه آموزش عالی نبی اکرم (ص) تبریز انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از بین انواع هنرهای عمومی در فضاهای شهری هنر مبتنی بر نور، صدا و دیجیتال در فضاهای شهری برحسب سه معیار جنسیت، تحصیلات و سن بیشترین امتیاز را به جهت ایجاد احساس نشاط در بین جوانان و تمایل به استفاده از این نوع هنر در فضاهای شهری داشته است. و در رتبه‌های بعدی هنر مناسب با سایت نظیر آثار هنری تراشیده شده از دل کوه و هنر تعییه شده در عناصر موجود در فضا همچون نقش برجسته‌های دیواری در بدن ساختمان‌ها یا نیمکت‌های تعییه شده در فضاهای شهری قرار گرفته است. هنر ایستای انتزاعی و مشاهیر نیز دارای کمترین امتیاز می‌باشد. همچنین در بین هنرهای تعاملی، هنر پویا-منفعل و هنر تعاملی ایستا بیشترین و هنر پویا - پویا کمترین احساس ایجاد نشاط وجود داشته است. بنابراین لازم است مدیران، برنامه‌ریزان و طراحان فضاهای شهری و هنرهای عمومی برحسب سلیقه و خواست شهروندان در رده‌های سنی مختلف تضمین گیری و اقدام نمایند تا حضور و مشارکت پذیری، تعامل، نشاط و خاطره انگیزی در فضاهای شهری بیشتر و موثرتر باشد.

**واژگان کلیدی:** هنر عمومی، هنر تعاملی، فضاهای شهری، نشاط جوانان

### مقدمه

در ادبیات شهرسازی معاصر، فضاهای عمومی شهری به عنوان عاملی کلیدی در توسعه شهرها، مدنظر طراحان توسعه شهری قرار گرفته است. فضاهایی مانند پارک‌ها، میدان‌ها، سواحل و مناطق تفریحی که خصوصی یا محدود به یک ساختمان نباشد و به صورت رایگان در دسترس همه بوده و برای عموم مردم آزاد است فضای شهری محسوب می‌شود (گل<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱؛ کوهن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸؛ هاسکینس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴؛ پارکینسون<sup>۶</sup>، ۱۲؛ امین و تریفت<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲؛ زوکین<sup>۸</sup>، ۱۹۹۵) فضاهایی که ساکنان شهرها در آنجا قدم می‌زنند از فشارهای روزمره

<sup>۱</sup>. استادیار، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

<sup>۲</sup>. لستادیار، گروه معماری و طراحی شهری، موسسه آموزش عالی نبی اکرم (ص)، تبریز، ایران

Email : abolfazlabdollahie@yahoo.com-Tel: 09143135351

<sup>3</sup> Ghel

<sup>4</sup> Goheen

<sup>5</sup> Hoskyns

<sup>6</sup> Parkinson

<sup>7</sup> Amin & Thrift

<sup>8</sup> Zukin



فرار می‌کنند و از زیبایی محیط لذت می‌برند، روابط بین مردم تقویت می‌شود، سلامت جامعه ارتقاء و تحول می‌یابد (سوت ورث<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). آفرینش مکان خلاق که اولین بار توسط اقتصاددانی به نام مارکوسن به کار برده شد، گونه‌ای از فضای شهری را تعریف می‌کند که نیازمند حضور هنر و مردم است (کیرج برگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). افراد خلاق نیاز به فضایی برای زندگی، کار، الهام بخشی و نمایش کارهای خود دارند. در این میان فضاهای عمومی می‌توانند نقش بسیار مهمی را بر عهده داشته باشند (قربانیان تبریزی و همکاران، ۱۳۹۹). استفاده از هنرهای عمومی در فضاهای شهری ایده‌ای است که بسیاری از کلان شهرهای دنیا در این حوزه سرمایه گذاری می‌کنند (امین، ۲۰۰۸؛ کانت و موریس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶) زیرا در ایجاد فضاهای شهری خوب تأثیرگذار بوده و شهر را جذاب و خاطره انگیز می‌کند و مردم را به سمت برقراری ارتباط با آثار هنری و یکدیگر سوق می‌دهد (زبراکی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲؛ هاوکینز<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). ارتباط هنر با افراد جامعه از بعد اجتماعی و فرهنگی مهم است. لف بور<sup>۶</sup> (۱۹۹۶) اهمیت هنرهای عمومی را در ایجاد احساسات در مردم و تعامل آنها با اثر بیان می‌کند. همچنین استفاده از ابزارهای هنر عمومی چون نقاشی‌های دیواری، گرافیتی، اشکال تجسمی و غیره در جهت ارتقاء کیفیات بصری و سرزنشگی محیط موثر است (خراسانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۷۶). گاهی اوقات درک عمومی مردم از آثار هنری در تعیین نقشی که هنر در فضای عمومی ایفا می‌کند مهم است زیرا مردم درک و احساسات متفاوتی از هنر عمومی دارند (زبراکی، ۲۰۱۲). اگر چه هنر عمومی به عنوان هنر تلفیق شده با فضای عمومی شهرها مفهوم جدیدی نیست اما امروزه تحولات زیادی در هنر عمومی به وجود آمده و سبب ایجاد انواع متنوعی از هنرهای عمومی شده در بیشتر موارد از حالت صرفاً ایستا خارج شده و به هنر پویا و تعاملی تغییر یافته است. هنر عمومی یا هنر همگانی به واسطه کیفیت اتفاقاتی که توسط آن‌ها در محیط ایجاد می‌شود، تداوم می‌یابد و به ثمر می‌نشیند.

با وجود اهمیت و نقشی که هنر عمومی در کیفیت فضاهای عمومی شهری می‌تواند داشته باشد، در مطالعات انجام گرفته در حوزه هنر عمومی به اثر انواع هنر عمومی در فضاهای شهری بر نشاط مردم و به خصوص جوانان چندان توجه نشده است. لذا این مطالعه با هدف پاسخگویی به این سوال انجام شده است که کدام نوع هنر عمومی تاثیر بیشتری بر ارتقاء نشاط درک شده جوانان از فضاهای شهری دارد؟

## مبانی نظری

### مفهوم واژه هنر عمومی

صحبت از هنر عمومی در فضاهای شهری نیازمند تعریف روشی از این واژه است. اصطلاحات مختلفی نظیر هنر عمومی<sup>۷</sup> یا هنر همگانی، هنر شهری<sup>۸</sup>، هنر خیابانی<sup>۹</sup> برای بیان هنر در شهر مطرح گردیده است. یک بررسی اولیه نشان می‌دهد که اصطلاح هنر خیابانی بیشتر به هنرهای غیر رسمی پرداخته و جامعیت لازم در بررسی گونه‌های مختلف هنر شهری را ندارد. دو اصطلاح دیگر از لحاظ مفهومی به هم نزدیک بوده که در ادبیات و متون شهرسازی جایگاه اصطلاح هنر همگانی یا عمومی پررنگ‌تر است. هنر عمومی یا هنر همگانی در مفهوم عامش هنری است که در فضاهای عمومی واقع شده است و مختص افراد خاصی نیست و برای عموم مردم در محیط‌های بیرونی قابل دریافت و ادراک است (مادرولو<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۴). جین کریستوف آمان<sup>۱۱</sup> مفهوم هنر عمومی در فضا را به صورت قرارگیری یک عمل یا اثر در یک زمینه که موجب ارتقاء معانی زیباشناختی، اجتماعی و عملکردی می‌شود، بیان می‌کند. از خصیصه‌هایی که ارجمند مجسمه

<sup>1</sup> Southworth

<sup>2</sup> KIRCHBERG

<sup>3</sup> Cant & Morris

<sup>4</sup> Zebracki

<sup>5</sup> Hawkins

<sup>6</sup> Lefebvre

<sup>7</sup> Public Art

<sup>8</sup> Urban Art

<sup>9</sup> Street Art

<sup>10</sup> Maderuelo

<sup>11</sup> Jean Christophe Ammann



ساز ایرانی در مورد هنر عمومی بیان می‌کند اشتراکی بودن آن است (دادی و همکاران، ۱۳۹۰). هنر همگانی به شهرها فرهنگ تعاملی و نوعی مشارکت مثبت برای بازدید کننده‌ها می‌دهد (رمسار<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). هنر عمومی با هدف ادغام مهارت‌ها، بینش و توانایی‌های خلاق هنرمندان در روند ایجاد فضاهای جدید به منظور ایجاد روح و تحرک در فضا توسط یک محرك بصري ایجاد می‌شود (های<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). تنوع هنر عمومی در فضای عمومی در درجه اول باعث ایجاد تفکر و نشاط می‌شود و به ایجاد فضاهای فراگیر و تعامل افراد با هنرهای عمومی کمک می‌کند و واکنش‌های احساسی متفاوتی ایجاد می‌کند. (جاگان Nath<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵؛ امین و تریفت، ۲۰۰۲؛ هاوکینز، ۲۰۱۳؛ لوساو و استیونز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴؛ دیکسون و استراوغان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳؛ پیل<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵؛ مسی<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰). تاثیرات هنر در فضای عمومی به وسیله جانسون<sup>۸</sup> و مايلز<sup>۹</sup> مایلز<sup>۹</sup> این گونه بیان می‌شود: ۱- هنر عمومی به مکان شور و احساس می‌دهد. ۲- باعث ایجاد تعهد در مردم شده و آنها را با مکان درگیر می‌کند. ۳- به بازنه سازی شهری کمک می‌کند. ۴- هنر عمومی نقش نشانه‌ای را در منظر به عهده می‌گیرد. نشانه‌ای که فراتر از یک مجسمه ایستا باشد (مايلز، ۱۹۹۴؛ جانسون و مايلز، ۲۰۱۴).

### روند هنر عمومی در متن شهر

بسیاری از صاحب‌نظران آغاز دوران ظهور هندر فضاهای شهری را به دوران معاصر و به سال‌های دهه ۷۰ میلادی نسبت می‌دهند، ژاپن مادرلو (۱۹۹۴) و کروه‌رست لنارد<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۵) تصريح می‌کند که از نیمه قرن هفدهم تولید یک شاخه جدید از هنر که مخاطبانش، مجموعه شهرمندان و مکانش فضاهای باز شهری است وجود داشته است. علی‌رغم نظرات مذکور باید اذعان داشت که هنر عمومی از زمان‌های دور وجود داشته و با فرهنگ، تاریخ، قدرت‌های سیاسی، مذهبی و اقتصادی مرتبط بوده و استفاده و عملکردش با گذشت زمان تغییر کرده است. نقاشی غارها توسط انسان غارنشین و خلق فضاهای جدید، کنده‌کاری بر روی ابزارالات چوبی و استخوانی و یا نقاشی بر روی سفال‌ها و ظروف تا خط پیام‌هایی با خصوصیات حجمی و سه بعدی که سبب ارتباط انسان با انسان‌های دیگر می‌شد، از آن جمله‌اند. در دهه ۱۹۶۰ هنر عمومی در بعضی از شهرهای اروپا و آمریکای شمالی ظاهر گشت. در دهه ۱۹۸۰ هنر عمومی به عنوان یک حرفه، در خدمت توسعه شهری قرار گرفت و با هدف ایجاد فضاهای شهری مطبوع و سیاست‌های توسعه شهری خلاق گسترش یافت. در اوخر قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ میلادی، هنر عمومی شکلی رسمی و حرفاً یافت (میتراچی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۲، ۵۱). در واقع، از این دوره بود که توجه به اثرات متقابل هنر عمومی با مخاطبان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. از نظر تاریخی، ابتدا نقاشی‌های دو بعدی پدید آمدند، سپس هنرمندان نقاشی‌های پرسپکتیو را در سه بعد و همچنین مجسمه‌های سه بعدی را توسعه دادند. اکنون هم، هنرمندان سینتیک<sup>۱۲</sup> و رسانه‌های جدید در سراسر جهان در حال تلاقي هنر و علم در مساله حرکت به عنوان بعد چهارم هستند (گی شوند<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۵). این هنر با گذشت زمان و تغییر شرایط تغییر می‌کند و با بینندگان ارتباط برقرار می‌کند. یکی دیگر از جنبه‌های بسیار بدیع این پیشرفت این است که، برای اولین بار، بیننده برای دیدن و تعامل با آن مجبور نیست جلوی یک مجسمه باشد. با پیشرفت‌های جدید در اینترنت، تلفن‌های هوشمند و برنامه‌های هوشمند، فناوری‌ها و تکنیک‌های واقعیت مجازی و وب‌کم، می‌توان هنر را از هرجای دنیا مشاهده و تغییر داد.

<sup>۱</sup> Remesar

<sup>۲</sup> Hui

<sup>۳</sup> Jagannath

<sup>۴</sup> Lossau & Stevens

<sup>۵</sup> Dixon & Straughan

<sup>۶</sup> Massey

<sup>۷</sup> Pile

<sup>۸</sup> Johnson

<sup>۹</sup> Miles

<sup>۱۰</sup> Crowhurst lennard

<sup>۱۱</sup> Mitrache

<sup>۱۲</sup> Synthetic

<sup>۱۳</sup> Gschwend

متناسب با این تحول، نگاه به جایگاه هنر در ارتقاء کیفیت فضاهای شهری در ایران نیز به ویژه در کلان شهرها از دهه ۸۰ به سوی پررنگ تر کردن نقش هنر در فضاهای شهری حرکت کرده و توجه به هنر شهری در دستور کار مدیران شهری قرار گرفته است و تنوع و حجم هنرهای شهری افزایش یافته است. اما ارزیابی نظاممندی از تاثیر هنرهای عمومی بر مخاطبان پس از اجرای پروژه صورت نمی-گیرد و علی‌رغم گستردگی هنرهای شهری و خلاقیت رو به رشد در این حوزه کمبود برنامه یکپارچه در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا مشاهده می‌شود. در ایران پیدایش اولیه هنر در شهر با معماری همراه بوده است نقش برجسته‌ها و ستون‌های مجسمه‌وار با دیوارنگاره‌های تخت جمشید، تزیینات آجری و کاشی کاری در سردر و گبند بنایی معماري از جمله این موارد است. در دوره قاجار به وسیله ارتباط بیشتر با غرب زمینه تحول هنر شهری نسبت به بقیه دوره‌ها قابل مشاهده است. در دوره پهلوی نیز مجسمه‌سازی رونق بیشتری پیدا کرد و با شکل‌گیری نهادهایی همچون موزه هنرهای معاصر توجه به هنرهای مدرن بیشتر شد. می‌توان گفت بیشترین نوع هنرهای شهری در این دوره ساخت مجسمه‌ها در فضاهای باز از جمله پارک‌ها می‌باشد. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی هنر شهری ماهیت اجتماعی پیدا کرده و نخستین نقاشی‌های دیواری هدفمند شکل گرفت. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شمسی بیشترین نمود هنر شهری در قالب نقاشی دیواری است که در پرتو توجه نهاد مدیریت شهری به ویژه سازمان زیباسازی شتاب گرفته و در مناسبت‌های مختلف چهره فضاهای عمومی شهر با حضور هنرهای شهری رنگ جدیدی به خود می‌گیرد. در نیمه دوم ۷۰ شمسی و دهه ۸۰ با تحول سیاست‌های زیباسازی تحول جدیدی در هنرهای شهری در ایران آغاز می‌شود این حرکت در دهه ۹۰ شمسی گستردگی بیشتری پیدا کرده و می‌توان گفت در ۱۰ سال اخیر کمیت و کیفیت هنرهای شهری دچار تحول اساسی شده است البته باید یادآور شد که نگاه سازمان‌های فعال در حوزه هنر شهری به طور عمده معطوف به دیوارنگاری و عناصر حجمی و سطحی همچون انواع تندیس‌ها و مجسمه‌های انتزاعی و یا سازگار با فرهنگ محلی و در مواردی نورپردازی دیجیتال فضاهای شهری است و سایر طیف هنرهای شهری بیشتر در دستور کار قرار نگرفته است. هنر نورپردازی و دیجیتال در شهرهای مختلف از جمله در برج آزادی تهران در سال ۱۳۹۴،<sup>۱</sup> آبنامی موزیکال پارک ولی‌عصر تبریز می‌تواند نمونه مناسبی برای آغاز هنر چند رسانه‌ای باشد. با وجود آثار ارزشمند در موارد عمده، هنر شهری وسیله‌ای برای پوشش ناماها و فضاهای نامناسب شهری بوده هرچند که برخی از این آثار بسیار حرفه‌ای بوده و به زیبایی شهر کمک می‌کند اما برخی دیگر به علت این که بدون توجه به زمینه خلق شده‌اند، گاها به زیبایی محیط آسیب می‌رسانند و در مواردی این بی توجهی به فضای شهری، زمینه انتقال آثار هنری از یک فضا به فضا دیگر را فراهم می‌کند (رنجر و همکاران، ۱۳۹۵). لذا همگام با این رشد روزافزون نیاز است که پایه‌های نظری در ارتباط با هنرهای شهری و فضاهای عمومی به روشنی تبیین شود تا با تمرکز بر پایه‌های نظری و مفهومی، شاهد اثرات مثبت فرایندهای آینده شکل‌گیری هنر در فضاهای عمومی شهر باشیم.

### أنواع هنر عمومي

در طول تاریخ مجسمه‌ها، نقطه کانونی برای ساخت و ساز و نقطه‌ای روشن برای تصاویر بصری بودند اما پس از توسعه ساخت و سازهای شهری، طیف وسیعی از اشکال هنری عمومی نظیر اجرها و نواهای موسیقی، آثار حجمی، پیکرتراسی، نقاشی دیواری، مبلمان شهری، معماری و بنای‌های یادمانی سهمی ارزشمند در ارتقاء کیفیت فضاهای شهری پیدا کردند (موتویاما<sup>۲</sup> و همکاران ۲۰۱۴؛<sup>۳</sup> کیافنگ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸؛ کات برت<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳) و هنر عمومی شامل تمامی فعالیت‌های خلاق شد (رمسار، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲) چنانچه ممکن است هنر عمومی به جای یک جسم، یک ساختار، فرآیند یا رویداد باشد (هاروی<sup>۶</sup> و رویجن<sup>۷</sup>، بی‌تا). با توجه به مطالب گفته شده در ذیل به طبقه بندی انواع هنر عمومی در شهر می‌پردازیم.

<sup>1</sup> Motoyama

<sup>2</sup> Xiaofeng

<sup>3</sup> Cutbert

<sup>4</sup> Harvey

<sup>5</sup> Verwijnen



۱- هنر ایستا، هنری است که حرکت یا تغییر نمی‌کند. این نوع هنری برای مدت طولانی در یک موقعیت باقی می‌مانند. از آنجا که هدف آنها ماندگاری است، هنرمندان این آثار را از مواد بسیار بادوام مانند برنز، مرمر، گرانیت، فولاد و .... خلق می‌کنند که مضامین شان عموماً تندیس مشاهیر (شکل ۱) و یا فرهنگ عامه و محلی (شکل ۲) و یا انتزاعی (شکل ۳) است.



شکل ۱. نمونه‌ای از تندیس مشاهیر



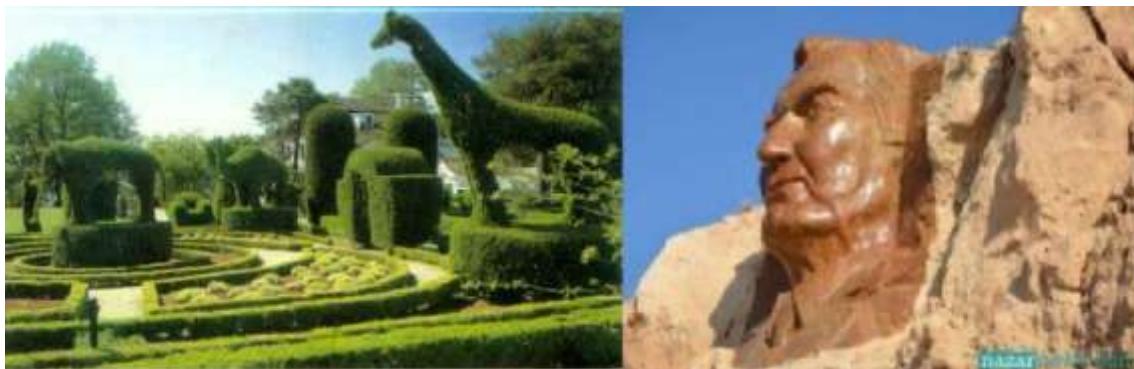
شکل ۲. نمونه‌ای از آثار هنری با مضامین فرهنگی و محلی



شکل ۳. نمونه‌ای از آثار هنری انتزاعی و مفهومی (نگارندگان)

۲- هنر متناسب با سایت یا محل<sup>۱</sup>، آثار هنری که بدون هیچ ماده‌ای اضافی و فقط با استفاده از تغییر در طبیعت ایجاد شده باشد. نظیر هنرهای تراشیده و ساخته شده از دل کوه و یا انواع فرمدهی گیاهان در فضای سبز(شکل ۴).

<sup>۱</sup>Site-specific Installation



شکل ۴. نمونه ای از آثار هنری متناسب با سایت (<https://wisgoon.com>)

۳- هنر یکپارچه یا تعبیه شده در عناصر موجود در فضا<sup>۱</sup>، که در ساختار دیگری گنجانده شده باشد، مانند نقوش برجسته در بدنه ساختمان‌ها یا صندلی‌های تعبیه شده در پیاده راه‌ها (شکل ۵).



شکل ۵. نمونه هایی از هنر یکپارچه یا تعبیه شده در عناصر موجود در فضا (<https://bridoz.com>)

۴- هنر کاربردی<sup>۲</sup>، که در داخل یا خارج ساختمان و یا دیوارهای های فضاهای شهری، استفاده می‌شود که دو بعدی است. نمونه های متداول آثار هنری کاربردی شامل نقاشی دیواری های سطح شهر اعم از رنگ، کاشی و ... (شکل ۶).



شکل ۶. نمونه هایی از هنر کاربردی (<https://en.wikipedia.org>)

۵- هنر جنبشی<sup>۳</sup>: این نوع اثر هنری دارای مکانیزم داخلی است که امکان تغییر در اثر هنری را ایجاد می‌کند. این تغییر یا ممکن است توسط یک عامل محیطی مانند دما، صدا یا نور باشد مانند (شکل ۷) که بازوهای روی این مجسمه چنان به دقت مهندسی شده اند

<sup>1</sup> Integrated

<sup>2</sup> Applied

<sup>3</sup> Kinetic



تا حتی ملایم‌ترین جریان‌های هوا را بگیرند و با حرکتی ارگانیک بچرخند. یا یک سیستم رایانه‌ای و نرم افزاری می‌تواند عامل حرکت اثر هنری باشد.



شکل ۷. نمونه‌ای از هنر جنبشی که توسط عوامل محیطی حرکت می‌کند (<https://www.mcclellandgallery.com>)

۶- هنر مبتنی بر صدا<sup>۱</sup>، این هنر با دستورالعمل‌های غیرمنتظره و کنترل شده رهگذران را فرا می‌خواند و نوعی ارتباط در فضای عمومی ایجاد می‌کند (شکل ۸).



شکل ۸. نمونه‌ای از هنر مبتنی بر صدا (<https://acca.melbourne>)

۷- هنر دیجیتال<sup>۲</sup>، نمونه‌هایی از آثار هنری عمومی دیجیتالی شامل ویدئوهایی است که در نمای بیرونی بنای معماری یا اثر هنری پخش می‌شود یا تصاویر تولید شده توسط رایانه که مستقیماً بر روی سطوح مختلف نمایش داده می‌شود. برخی از آثار هنری با استفاده از تکنیکی به نام نگاشت نور یا نورپردازی، که اجازه می‌دهد پیش‌بینی‌های نور مناسب با ویژگی‌های معماری یک ساختمان خاص و یا حتی یک فرد باشد، انجام می‌شود (شکل ۹).



شکل ۹. نمونه‌هایی از هنر دیجیتال (<http://www.smoothware.com/danny>)

<sup>1</sup> Sound Based

<sup>2</sup> Digital



## ۸- ترکیبی از انواع هنر (برای مثال هنر مبتنی بر صدا، نور و دیجیتال)

در این نوع از هنر، با استفاده از نرم افزار قابلیت کنترل تمام المان‌ها و هماهنگی کامل بین اجزای مختلف از جمله موسیقی، نور، آب و ... وجود دارد (شکل ۱۰).



شکل ۱۰. آبنمای موزیکال (<https://behdokht.ir>)

### هنر عمومی تعاملی<sup>۱</sup> در مقابل هنر غیر تعاملی

در تاریخ بشر روابط بین پدیده‌ها هیچ وقت به این سرعت امروزی و به شکل بسیار گسترده‌ای تغییر نکرده است. این مورد شامل ارتباط هنر و علم هم می‌شود. به نظر می‌رسد در جهان با تغییر سریع، همه چیز می‌خواهد تعاملی شود. امروزه تلفن‌های هوشمند دیگر فقط یک تلفن غیرفعال نیست، بلکه یک کامپیوتر است ضمن اینکه با آن صحبت می‌کنید، راه را به شما نشان دهد، آب و هوا را به شما می‌گوید، ایمیل خود را چک می‌کنید، به شما اجازه می‌دهد موسیقی مورد علاقه خود را گوش دهید، فیلم و عکس بگیرید. همه این‌ها در یک بسته کوچک قرار گرفته است. تلویزیون دیگر فقط یک جعبه مشاهده منفعل نیست، بلکه سریال مورد علاقه شما را ضبط می‌کند و از طریق اینترنت ارسال می‌کند. اسباب بازی‌های کودکان دیگر بلوک‌های چوبی منفعل نیستند، اکنون آنها کامپیوترهای قدرتمندی هستند. حتی کفش ساده، فقط یک کفش معمولی نیست، می‌تواند یک تراشه کوچک را در خود جای دهد، مسافت، زمان، سرعت پیاده روی یا تمرین را با حافظه هوشمند خود ضبط و سپس به اینترنت ارتباط دهد (گی شوند، ۲۰۱۵). این روند از منفعل به فعل، از استاتیک به پویا، از سکون به حرکت در هنر معاصر نیز دیده می‌شود. امروزه با استفاده از فناوری، آثار هنری از صورت عناصر ثابت به مجسمه‌های جنبشی معاصر تغییر داده‌اند. حتی تحصیلات هنری نیز از رشته‌های مانند نقاشی و مجسمه سازی به نسل جدیدی از فارغ التحصیلان هنرهای تعاملی و دیجیتالی تغییر یافته است. اندروشوبن<sup>۲</sup>، بنیانگذار یک گروه هنرمند مستقر در لندن به نام دنیای خاکستری<sup>۳</sup>، معتقد است هنر ایستای سنتی اغلب اوقات ارتباط زیادی با مردم ندارد. معمولاً در فاصله فیزیکی نصب می‌شود که آن را از عموم جدا می‌کند و در بیشتر موارد به عنوان یک بنای یادبود ساخته می‌شود که صرفاً قابل بازدید است. اما نمی‌توان آن را لمس کرد، روی آن نشست یا با آن تعامل برقرار کرد. اما امروزه، هنرهای عمومی دیگر فقط به یادبودهای ایستایی سنگی یا فلزی محدود نمی‌شوند. هنری که با مشارکت بینندگان و بازدیدکنندگان ساختار آن کامل می‌شود. بنابراین هنر تعاملی نوعی هنر پویا است که به مخاطب پاسخ می‌دهد و تماساگر را درگیر خود می‌کند و از این لحاظ به هنر امکان می‌دهد تا به هدف خود که ایجاد ارتباط با مخاطب است، دست یابد. این نوع هنر به رابطه ایجاد شده بین بیننده و اثر هنری بسیار بستگی دارد. برخی از هنرهای تعاملی به مشاهده کننده یا بازدید کننده اجازه می‌دهند که از طریق "راه رفتن" در داخل، یا اطراف اثر به این مهم دست یابند. برخی دیگر، از تماساگران می‌خواهند که بخشی از آثار هنری شوند. هنر تعاملی از دهه ۱۹۶۰ شروع به تحریک دنیای هنر کرد. هنرمندان تعامل بین مردم و این هنر را راهی برای پیشبرد هنر در یک مسیر نوآورانه می‌دانستند. یک اثر هنری پویا و تعاملی شکل‌های مختلفی از تعامل را با مردم نسبت به یک مجسمه ایستای غیر تعاملی ایجاد می‌کند زیرا انواع مختلفی از برداشت و احساسات را برای عموم ایجاد می‌کند و از طریق تعامل بین

<sup>1</sup> Interactive

<sup>2</sup> Andrew Shoben

<sup>3</sup> Greyworld



فرد و اثر هنری در یک فضای عمومی، ارتباط عاطفی ایجاد می‌کند (پیل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰؛ ۱۹۹۶). در هنر تعاملی با استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای از برنامه‌های نرم افزاری استفاده می‌شود که امکان ایجاد تعامل را فراهم می‌کند. (ادموند<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). اگر چه هنر تعاملی غالباً از ابزارهای دیجیتال استفاده می‌کند، اما لزوماً همه انواع هنرهای تعاملی مبتنی بر سیستم‌های نرم افزاری نیستند. در جدول زیر به برخی از تفاوت‌های هنر تعاملی و غیر تعاملی اشاره شده است.

جدول (۱): تفاوت هنر تعاملی و غیر تعاملی

هنر تعاملی	هنر غیر تعاملی
تعامل بیننده و اثر عینی است	تعامل بیننده و اثر ذهنی است
هر مخاطبان تصویری یکسان از اثر هنری دارند.	همه مخاطبان تصویری یکسان از اثر هنری دارند.
اثر هنری فقط حس بینایی مخاطب را درگیر می‌کند.	اثر هنری علاوه بر حس بینایی، حواس شنیداری، بویایی، لامسه، تعادل و جهت‌یابی را نیز تحریک می‌کند.
فعال	منفعل
حرکت	سکون
غیر قابل پیش بینی	قابل پیش بینی
ارتباط با اثر هم از طریق فیزیکی هم از طریق فناوری مدرن امکان‌پذیر است.	ارتباط با اثر از طریق فیزیکی

برگرفته از مطالعات پیشین

#### انواع هنر عمومی تعاملی

- ۱- هنر تعاملی ایستا<sup>۳</sup>: در این نوع هنر تعاملی، اثر هنری بدون اینکه تغییر یا حرکتی بکند با بازدید کننده تعامل برقرار می‌کند. (شکل ۱۱).



شکل ۱۱. دروازه ابری<sup>۴</sup> اثر آنیش کاپور<sup>۵</sup> در پارک هزاره شیکاگو

- ۲- هنر تعاملی پویا - منفعل<sup>۱</sup>، در این نوع، اثر هنری دارای مکانیزم داخلی است که امکان تغییر را ایجاد می‌کند، سازوکار داخلی توسط هنرمند مشخص شده و هر تغییری که رخ دهد کاملاً قابل پیش بینی است شکل (۱۲). بیننده ناظر منفعل این فعالیت است. (ادموند<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۶).

<sup>1</sup> Pile

<sup>2</sup> Edmond et al

<sup>3</sup> Static

<sup>4</sup> Cloud Gate

<sup>5</sup> Anish Kapoor



شکل ۱۲. مجسمه چرخان اثر دیوید سرنی<sup>۳</sup>

۳- هنر تعاملی پویا- پویا<sup>۴</sup> : در این نوع، فاکتوری اضافه می‌شود که انسان یا بیننده نقش فعالی در تأثیرگذاری بر تغییرات در اثر هنری دارد. به عنوان مثال، با راه رفتن روی حصیری که شامل سنسورهای متصل به چراغ‌ها در توالی‌های متغیر است، بیننده به یک عنصر پویا و تأثیرگذاری تبدیل می‌شود که روند کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۴- هنر تعاملی پویا - متغیر<sup>۵</sup> : در این نوع هنر با افزودن یک عامل مضاعف مشخصات اصلی اثر هنری تغییر می‌کند. عامل می‌تواند یک انسان باشد یا یک برنامه نرم افزاری باشد. به همین دلیل، فرایندی که اتفاق می‌افتد یا بهتر بگوییم عملکرد سیستم هنری نمی‌تواند قابل پیش‌بینی باشد(شکل ۱۳).



شکل ۱۳. یادبود هنرمند ناشناس اثر گروه هنری GREYWorld

۵- هنر تعاملی محیطی: آثار هنری در حال تغییر با پدیده‌های طبیعی (هوای نور خورشید) یا مصنوعی (صدا، آلدگی) یا حضور شخص انسان از نوع هنرهای تعاملی محیطی هستند.

نمونه‌هایی از تجربه‌های موفق در زمینه استفاده از هنر عمومی در فضای شهری

۱- دروازه ابری (۲۰۰۴) اثر آنیش کاپور در پارک هزاره شیکاگو که به دلیل شکل آن با نام «لوبیای<sup>۶</sup>» نیز شناخته می‌شود یکی از تجربه‌های موفق در زمینه استفاده از هنر عمومی در پارک هزاره شیکاگو است (شکل ۱۱). این مجسمه از استیل صیقلی ضد زنگ

<sup>1</sup> Dynamic- passive

<sup>2</sup> Edmond et al

<sup>3</sup> David Černý

<sup>4</sup> Dynamic - Interactive

<sup>5</sup> varying

<sup>6</sup> Bean



ساخته شده که حرکتی ندارد ولی نماهای همیشه در حال تغییر اطراف، بازتاب بازدیدکنندگان و افق اطراف را روی سطوح خمیده به شکل جادویی ارائه می‌دهد (گی شوند، ۲۰۱۴).

-۲- مجسمه سر کافکا (۲۰۱۴) اثر دیوید سرنی در پراگ، از ۴۲ لایه متحرک مستقل فولاد ضدزنگ تشکیل شده است. تکه های این مجسمه عظیم به شکل عجیبی، چیزی تقریباً شبیه به تکه های پازل، به هم می‌ریزند و بعد از چندین دور چرخش مجدداً به شکل اولیه خود در می‌آید (شکل ۱۲).

-۳- بنای یادبود هنرمند ناشناخته (۲۰۰۷) اثر گروه هنری دنیای خاکستری در لندن، مجسمه ای که در نگاه اول مانند یک مجسمه برنزی ستی به نظر می‌رسد. اما وقتی مردم از آنجا عبور می‌کنند، با ظرافت حرکت می‌کند تا به آنها خیره شود یا حتی چشمک می‌زند. وقتی رهگذران متوجه می‌شوند که مجسمه به آنها پاسخ می‌دهد، آنها با ژست هایی واکنش نشان می‌دهند که مجسمه متقابلاً سعی در تقلید آنها دارد. تقلید با ترکیبی از دوربین های ویدئویی، نرم افزار تشخیص حرکت و ربات امکان پذیر است. اندروشوبن می‌گوید در هر صورت، این امر به مردم امکان می‌دهد تا با این هنر ارتباط برقرار کنند و امیدوار است که با انجام آن سرگرم شوند (شکل ۱۳).

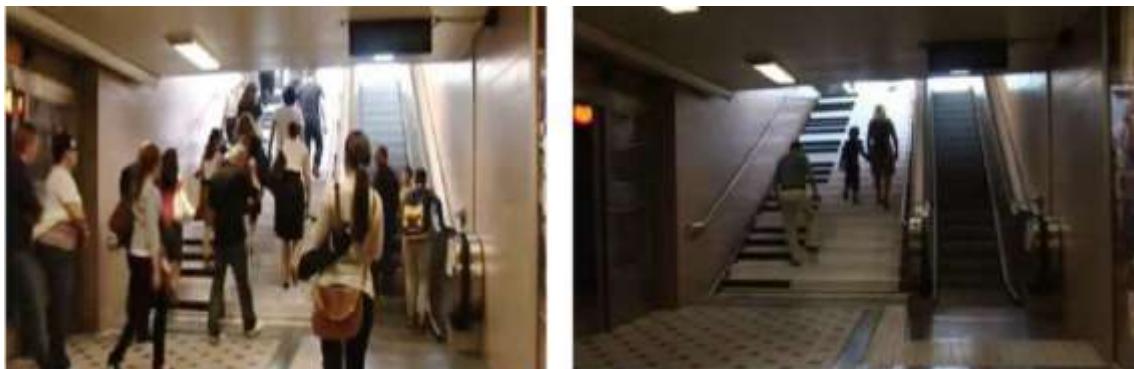
-۴- اثر هنری دیجیتالی چشممه تاج (۲۰۰۴) در پارک هزاره شیکاگو که هنرمند سعی داشته که تعاملی فیزیکی بین مردم و آب به وجود آورد. بسیاری از شهروندان به امید دیدن چهره خود در نمایشگرهای دیجیتالی آبشار به این پارک می‌آیند. امروزه این اثر به مکان عمومی برای بازی و جست‌و خیز کودکان در آب تبدیل شده است. این اثر نمونه بارزی از هنر تعاملی پویا-پویا است؛ به گونه‌ای که موجب سرزنشگی و تعامل افراد با اثر هنری را فراهم ساخته است (شکل ۱۴).



شکل ۱۴. چشممه تاج در پارک هزاره شیکاگو اثر هنرمند اسپانیایی جام پلانزا<sup>۱</sup>

-۵- پلکان پیانویی (۲۰۱۲) اثری که جزو هنر تعاملی است در متروی شهر استکهلم سوئد در راستای تحقق پروژه ایجاد هنرهای سرگرم‌کننده و لذت‌بخش ساخته شده است که این امر سبب شده است اکثر مردم، استفاده از پلکان موزیکال را به بالارفتن از پله‌برقی ترجیح دهند. این پروژه به واسطه ماهیت موزیکالش جزو هنرهای عمومی تعاملی به شمار می‌رود که به خوبی توانسته مردم را به سوی خود جذب نماید (شکل ۱۵). مشابه این اثر بعداً در شهرهای مختلف نیز ساخته شده است.

<sup>۱</sup> Jaume Plensa



شکل ۱۵. پلکان پیانوی

۶- هنر چند رسانه‌ای نور و صدا در برج آزادی (۱۳۹۴) که برای اولین بار توسط فیلیپ گایست هنرمند آلمانی در برج آزادی برگزار شد. بعد از آن به مناسبت‌های مختلف این شاهکار هنری توسط هنرمندان ایرانی نورپردازی می‌شود (شکل ۱۶).



شکل ۱۶. نمونه‌ای از نورپردازی همراه با صدا در برج آزادی

### تأثیر هنر عمومی بر نشاط جوانان

لينج نشاط و شادابی را به عنوان يكى از ابعاد عملکرد طراحى شهرى معرفی مى كند و آن را به عنوان پشتيبانی نيازهای بيوالژيکى و توانايى های انسان توصيف مى كند. در تعريف مونتگومرى (۱۹۹۸)، نشاط در قلمرو شهرى يك كيفيت مهم است زيرا امنيت را افزایش مى دهد، جرم را کاهش مى دهد، منافع تجارى را زندهتر مى كند، لذت منفعلانه از مناظر اطراف را افزایش مى دهد، تعاملات اجتماعى را تشویق مى كند و فرصت های تبادل فرهنگی را فراهم مى كند. در نتيجه، نشاط در فضای شهرى به عنوان معيار مهمی برای سلامت در نظر گرفته مى شود (جلال الدينی و اكتای<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). نقش شادی در زندگی افراد جامعه به حدی زياد است که متفکر اجتماعی، راسکين معتقد است: ثروتمندترین کشورها کشوری است که بيشترین افراد شاداب را داشته باشد. اهمیت اين موضوع تا آنجاست که از سال ۲۰۰۰ ، سازمان ملل برای سطح توسعه يافتگى کشورها، متغير شادکامى را به عنوان يك متغير کليدي وارد محاسبات کرده است (ميرزابي و همكاران، ۱۳۹۹، ۳۸۰). نشانه های شهرى در عين حال که تجربه های بصري را موجب مى شود و ادراك تجسمى مخاطب را تحت تاثير قرار مى دهد اين قابلیت را دارد که خاطرات را برانگیزد و احساسات افراد را هنگام برخورد با آنها فعال کند (شارپ و همكاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵، پولاک<sup>۳</sup> و شارپ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱) و پاسخ های احساسی خاصی ايجاد کند که با محیط فیزیکی اطرافشان گره خورده است

<sup>۱</sup> Jalaladdini & Oktay

<sup>۲</sup> Sharp et al

<sup>۳</sup> Sharp

<sup>۴</sup> Pollack



(اندرسون، ۲۰۱۳؛ کرسول، ۲۰۱۳). هنر عمومی می‌تواند حسی از بازی را به فضاهای عمومی تزریق کند و به فعالیت‌های خلاق کمک کند. احساسات نتیجه تأثیر است. قبل از آنکه احساس خاصی به عنوان یک نتیجه از محرک احساس شود تأثیر اتفاق می‌افتد (اندرسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳؛ پیل، ۱۹۹۶؛ ۲۰۱۰؛ ۲۰۱۱؛ ۲۰۱۳). هنر عمومی می‌تواند به عنوان محرک، تأثیر یا تحول بدنی داشته باشد که افراد هنگام مواجهه با هنر عمومی یا مواجهه با افراد دیگر که درگیر هنر عمومی هستند، ایجاد می‌شود (کرسول، ۲۰۱۳؛ تین، ۲۰۰۵). همانطور که امین (۲۰۰۸) اظهار داشت، احساس تعجب، غافلگیری، شادی و نشاط در افراد هنگام روپرور شدن و تعامل با آثار هنری در فضاهای عمومی از آن جمله است. هنر عمومی در فضای عمومی باعث ایجاد نشاط در فضا می‌شود و به مردم اجازه می‌دهد دور هم جمع شوند و در محیط تفکر کنند یا از آن لذت ببرند (امین، ۲۰۰۸؛ کانت و موریس، ۲۰۰۶). هنر عمومی اخیراً به سمت هنر معاصر سوق داده شده است تا بین هنر عمومی و بیننده تعامل حاصل شود تا این هنر را برای نسل‌های جدید جذاب تر کند. جوانان انتظار این تعامل را دارند، چه با تلفن های هوشمندانه باشد، چه با تلویزیون و چه از هنری که در مکان‌های عمومی با آن روپرور می‌شوند. جوانان به راحتی و سریع علاوه خود را به اشیا و افراد اطراف خود از دست می‌دهند، مگر اینکه آن پدیده یک ویژگی خاصی داشته باشد. به عنوان مثال، حرکت کند، تغییر کند، و یا مهمتر از همه با آنها تعامل داشته باشد (گی شوند، ۲۰۱۵). آثار هنری به یک جوان تجربه و ارتباط مستبت با محیط می‌دهد و جوانان را به سمت بهبود محیط زندگی خود با مشارکت در برنامه ریزی شهری سوق می‌دهد (تی سورنی، ۲۰۱۴؛ بیشап<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). جوانان در گروه سنی قرار دارند که به دلیل تجربه مشترک و موقتی، محیط را به طور مشابه تفسیر می‌کنند (سوتابسواپا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲).

### پیشینه پژوهش

مطالعات مختلفی برای روشن شدن نقش هنر در شهر انجام شده است. محققان بر اهمیت نقش هنر برای زیباسازی و ایجاد اثرات اجتماعی، اقتصادی (عمر و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶) و سیاسی (بیما<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵) تأکید می‌کنند. حضور هنر عمومی در شهر می‌تواند به ایجاد هیجان در فضاهای شهر، بهبود کیفیت زندگی و همچنین بهبود سیمای آن کمک کند (موتویاما و هانیو، ۲۰۱۴). مطالعات شواهدی را نشان می‌دهد که محیط‌های زیبا باعث بهبود رفاه، رفتار، عملکرد و خلق و خو می‌شوند (راتیو و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸؛ عمر و همکاران، ۲۰۱۶). از لحاظ فیزیکی، هنر کمک می‌کند تا شهر از حالت کسل کننده خارج و فرصت‌های بیشتری را برای معاشرت با افراد محلی و گردشگران فراهم کند (عمر و همکاران، ۲۰۱۶؛ منصور<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱). اما بر اساس جستجوهای محققان تحقیقی که مستقیماً به موضوع تحقیق حاضر یعنی بررسی تأثیر هنر عمومی بر ارتقاء نشاط جوانان مرتبط باشد کار نشده است.

- گی شوند (۲۰۱۵) در مقاله‌ای به توسعه هنر عمومی از گذشته تا آینده و تحول آن از هنر ایستا به هنر پویا و تعاملی پرداخته است. نتایج بررسی حاکی از این واقعیت است که نسل جدید هنرهای عمومی، به سرعت در حال رشد و تغییر به سمت هنرهای عمومی پویا و تعاملی است. هنر مجسمه سازی در حال دور شدن از سیک استاتیک دیرپا و نزدیک شدن به فن آوری و ارتباطات در حال توسعه است، جایی که هنر تغییر می‌کند، تعامل ایجاد می‌شود و با مخاطبانش ارتباط برقرار می‌کند، زیرا اینترنت و کانال‌های ارتباطی مرتبط به طور

<sup>1</sup> Anderson

<sup>2</sup> Cresswell

<sup>3</sup> Thein

<sup>4</sup> Tsevreni

<sup>5</sup> Bishop

<sup>6</sup> Suthasupa

<sup>7</sup> Omar et al.

<sup>8</sup> Obed Bima Wicandra

<sup>9</sup> Hanyu

<sup>10</sup> Rautio et al.

<sup>11</sup> Mansour



تصاعدی در حال رشد هستند و هنر عمومی را به بینندگان در سراسر جهان متصل می‌کنند و آنها با بسیاری از روش‌های غیرمنتظره که هنوز در دسترس نیست به این ارتباط ادامه خواهند داد.

- سپ<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) در مقاله‌ای به نقش فضای عمومی در رسیدن به شادی شهری و شناسایی عواملی که باعث چنین درکی از سوی کاربران می‌شود، اشاره کرده است و شادی شهری را به عنوان مفهومی تعریف کرده است که درک مثبتی از یک مکان را به مردم می‌دهد و سبب می‌شود مردم مدت زمان زیادی در آن فضا بمانند و یا مجدداً به آن فضا باز گردند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حضور هنر در اشکال مختلف در فضاهای شهری از جمله عواملی است که شرایط شادی را بر می‌انگیرد. علاوه بر این، برخی از آثار هنری به دلیل داشتن پویایی بالقوه خود، عناصر تجمیعی را تشکیل می‌دهند.

- جاگاناث (۲۰۱۷) در پایاننامه کارشناسی ارشد با عنوان تعامل مردم با هنرهای عمومی در فضاهای عمومی در نیوزلند هدف از تحقیق را بررسی چگونگی تأثیر و ارتقاء تعامل فضاهای عمومی با هنرهای عمومی بیان می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که برای موفقیت هنر عمومی، داشتن یک جزء تعاملی در حوزه عمومی مهم است. هنرهای عمومی در فضاهای شهری ایجاد نشاط می‌کند و واکنش‌های احساسی متفاوتی ایجاد می‌کند.

- آل صعودی<sup>۲</sup> و فورلان<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) در مقاله‌ای به بررسی تاثیر نقش هنر عمومی بر محیط‌های شهری در قطر پرداخته و به این نتیجه رسیده است که هنر عمومی مزایایی برای شهر به ویژه برای توسعه و بازارآفرینی شهری به همراه دارد. برخی از این مزایا عبارتند از نقش نمادین داشتن در شناسایی و خوانایی شهر، دلستگی به مکان، کمک به احساس امنیت و ایجاد ارتباط با شهروندان که موجب ارتقاء تعاملات اجتماعی می‌شود.

- سیگیت و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی به نقش هنر در ارتقاء تصویر شهر کامپونگ پلانگ<sup>۴</sup> اندونزی از بعد ادراک جوانان می‌پردازد. شهری که به مدد هنر از دهکده‌ای کنیف و آلوده به شهری زیبا و دیدنی تغییر پیدا کرده است. این نوع تغییر، فضایی کاملاً زیبا از شهر ساخته است که در طولانی مدت تاثیرات مثبتی را روی مردم به دنبال داشته و به علاوه توریست‌ها و گردشگران زیادی را به خود جلب کرده و باعث پیشرفت موقعیت مالی شهر شده است. همچنین نتایج این مطالعه که با بررسی ادراک جوانان انجام شده بود، نشان داد که بیشتر پاسخ دهنده‌گان تأثیر قابل توجه هنر در کامپونگ پلانگ را به روشنی مثبت احساس کردند.

## داده و روش‌ها

مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی- کمی (مختلط) است که به صورت پیمایشی انجام گرفته است. در این مطالعه برای جمع‌آوری اطلاعات از رویکرد بصری و خوانش تصویر استفاده شده است. تحقیق بصری اصطلاحی است که در برگیرنده روش‌های مبتنی بر جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها به واسطه تصاویر طراحی، نقاشی، عکاسی، فیلم یا تصاویر ویدئویی است (گلاو و همکاران،<sup>۵</sup> ۲۰۱۷؛ صالحی، ۱۳۹۴، ۲۵۴). در تحلیل تصویر می‌توان دو نوع معنا را بازشناخت (چاندلر<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴): اول، معنای تحتلفظی در تصویر که معادل واقیت تصویر است و به این که فرد در تصویر چه می‌بیند مربوط می‌شود. برای مثال مشاهده و توصیف نور، رنگ، خط، شکل، و فرم در یک تصویر، واقعیت نمایش داده شده در آن را ارائه می‌کند. دوم، معنای ضمنی تصویر که به احساس و فهم تصویر اشاره داشته و به این مربوط می‌شود که چه طور یک نفر تحت تأثیر آنچه تصویر ارائه می‌دهد، قرار می‌گیرد. به دیگر سخن، زمانی که یک نفر تصویری را مشاهده می‌کند، احساس یا واکنش عاطفی که برانگیخته می‌شود، چیست؟

<sup>1</sup> sepe

<sup>2</sup> Al Suwaidi

<sup>3</sup> Furlan

<sup>4</sup> Kampung Pelangiin

<sup>5</sup> Glaw et al

<sup>6</sup> Chandler



بعد از اینکه بر اساس مبانی نظری و ادبیات تحقیق هنرهای عمومی و هنرهای تعاملی به انواع مختلف تقسیم بندی شدند از هر نوع هنر یک تصویر، مشابه آنچه که در بخش معرفی انواع هنرهای عمومی نمایش داده شد، انتخاب و در قالب پرسشنامه آنلاین که در آن از مشارکت گنندگان خواسته شده بود تا میزان احساس نشاط خود از تماسی آن اثر هنری در فضاهای شهری را بر حسب طیف ۵ گانه لیکرت بیان نمایند، طراحی و از طریق اپلیکیشن‌های فضای مجازی به جامعه هدف ارسال شد. از آنجاییکه جامعه هدف مقاله حاضر جوانان بودند، نمونه از بین دانشجویان دانشگاه تبریز و دانشجویان موسسه آموزش عالی نبی اکرم (ص) تبریز در نیمسال دوم ۱۴۰۰- ۱۳۹۹ انتخاب شدند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران با سطح خطای ۵ درصد استفاده شد که با توجه به تعداد دانشجویان این دو دانشگاه (۲۷۰۰۰ نفر) حجم نمونه ۳۷۹ انتخاب شد. بعد از ارسال پرسشنامه به نزدیک به ۳۸۰ نفر، ۱۴۴ نفر پرسشنامه را تکمیل نمودند. در این تحقیق هم از دانشجویان رشته‌های هنر و معماری و هم از دانشجویان غیر هنر و معماری در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد نظرسنجی انجام گرفت. جدول (۲) توزیع پاسخگویان را نمایش می‌دهد.

جدول (۲): توزیع پاسخگویان بر اساس جنس، سن و تحصیلات

تحصیلات (دانشجوی)				سن (سال)				جنسیت	
کارشناسی ارشد غیر هنر و معماری	کارشناسی غیر هنر و معماری	کارشناسی ارشد هنر و معماری	کارشناسی هنر و معماری	۳۵ تا ۳۰	۲۵ تا ۳۰	۲۵ تا ۲۰	کمتر از ۲۰	زن	مرد
۳۲	۳۲	۳۰	۵۰	۲۹	۲۱	۶۹	۲۵	۹۷	۴۷
۱۴۴								۱۴۴	۱۴۴

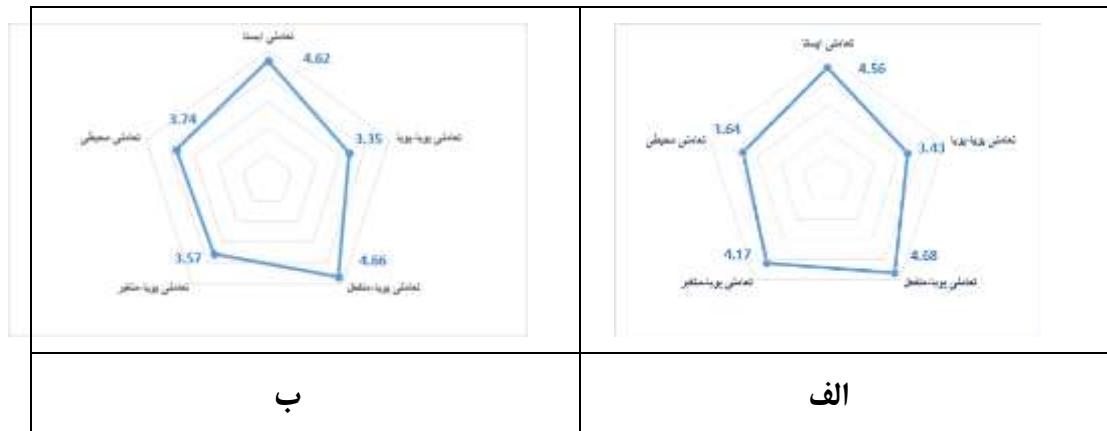
### تجزیه و تحلیل داده‌ها

براساس پرسشنامه‌های تکمیلی توسط جوانان، مطابق شکل‌های (۱۷) تا (۲۲) میزان احساس ایجاد نشاط از انواع آثار هنر عمومی و هنرهای تعاملی در فضاهای شهری بر حسب جنسیت، رشته‌های تحصیلی و سن مقایسه شده است. شکل (۱۷) الف نشان می‌دهد، بیشترین امتیاز میزان احساس نشاط از انواع آثار هنر عمومی در فضاهای شهری بر حسب جنسیت زن به ترتیب به هنر مبتنی بر صدا و دیجیتال، هنر یکپارچه یا تعبیه شده در عناصر فضا، هنر دیجیتال و هنر متناسب باسایت اختصاص دارد و کمترین امتیاز مربوط به هنر ایستای مشاهیر و انتزاعی است. و براساس شکل (۱۷) ب بیشترین امتیاز برای احساس نشاط از انواع آثار هنر عمومی در فضاهای شهری بر حسب جنسیت مرد به ترتیب مربوط می‌شود به هنر مبتنی بر صوت و دیجیتال، هنر تعبیه شده در عناصر فضا، هنر متناسب با سایت و سپس هنر فرهنگ عامه و کمترین امتیاز مربوط به هنر ایستای انتزاعی و هنر مبتنی بر صدا است.



شکل (۱۷): میزان احساس نشاط جوانان از انواع آثار هنر عمومی در فضاهای شهری بر حسب جنسیت الف زن و ب مرد

همچنین با توجه به شکل (۱۸) الف بیشترین امتیاز احساس نشاط در بین جوانان برحسب جنسیت زن، نسبت به انواع هنرهای تعاملی هنر تعاملی پویا- منفعل و سپس تعاملی ایستا و کمترین امتیاز به هنر تعاملی پویا- پویا است. همچنین با توجه به شکل (۱۸) ب بیشترین امتیاز احساس نشاط در هنرهای تعاملی در بین جوانان مرد، هنر تعاملی پویا- منفعل سپس با کمترین فاصله تعاملی ایستا و کمترین امتیاز هنر تعاملی پویا- پویا است.



شکل (۱۸): میزان احساس نشاط جوانان از انواع هنر های تعاملی در فضاهای شهری برحسب جنسیت الف زن و ب مرد

شکل (۱۹) الف نشان می دهد که میزان احساس نشاط از هنر مبتنی بر صدا و دیجیتال، هنر تعییه شده در فضاء، هنر متناسب با سایت و هنر دیجیتال در نما در بین جوانانی که در مقطع کارشناسی در رشته های هنر و معماری تحصیل می کنند بیشتر و در بین دانشجویان غیر هنر و معماری علاوه بر هنرهای مذکور هنر کاربردی بیشترین و هنر ایستای انتزاعی در بین دانشجویان غیر هنر و معماری و ایستای مشاهیر در بین دانشجویان هنر و معماری کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. شکل (۱۹) ب نشان می دهد که میزان احساس نشاط در جوانانی که در مقطع کارشناسی ارشد رشته های غیر هنر و معماری تحصیل می کنند، هنر مبتنی بر صدا و دیجیتال، هنر فرهنگ عامه، هنر متناسب با سایت و هنر تعییه شده در عناصر فضا بیشترین امتیاز و هنر ایستای انتزاعی کمترین امتیاز را دارد. و در بین دانشجویان کارشناسی ارشد هنر و معماری هنر مبتنی بر صدا و دیجیتال، هنر تعییه شده در عناصر فضا و هنر متناسب با سایت بیشترین امتیاز و هنر ایستای مشاهیر و هنر مبتنی بر صدا کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده است.

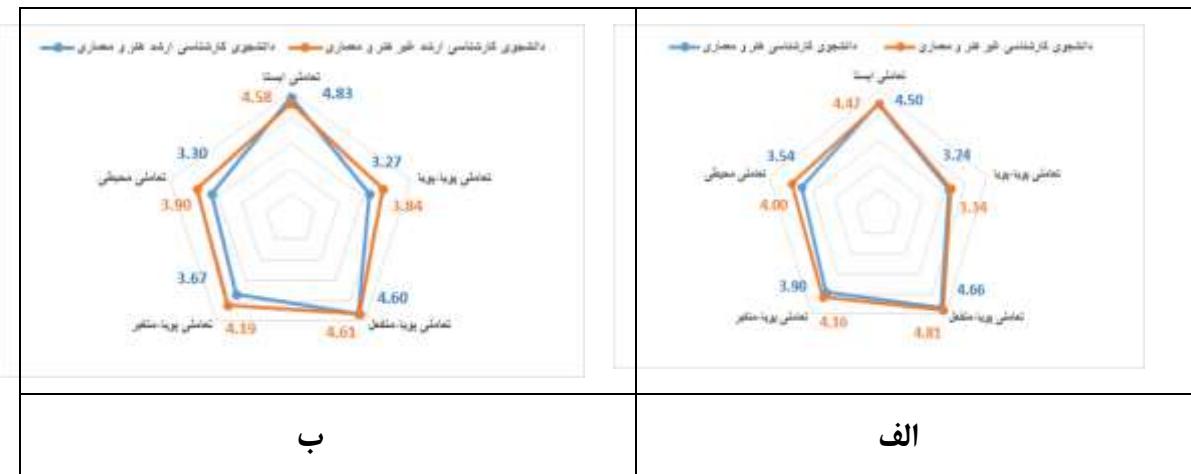


شکل (۱۹): میزان احساس نشاط جوانان از انواع آثار هنر عمومی در فضاهای شهری برحسب تحصیلات الف کارشناسی و ب کارشناسی ارشد هنر و معماری و غیر هنر و معماری

همچنین با توجه به شکل (۲۰) الف بیشترین امتیاز احساس نشاط برحسب تحصیلات کارشناسی هنر و معماری و غیر هنر و معماری مربوط به هنر تعاملی پویا- منفعل و سپس هنر تعاملی ایستا و کمترین امتیاز هنر تعاملی پویا- پویا است. و همچنین با توجه به شکل

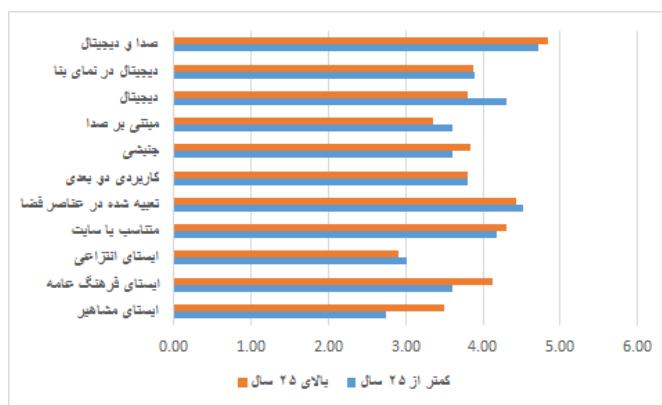


(۲۰) ب بیشترین امتیاز در بین دانشجویان کارشناسی ارشد هنر و معماری مربوط به هنر تعاملی ایستا و سپس با اختلاف خیلی جزئی هنر تعاملی پویا – منفعل و در بین دانشجویان غیر هنر و معماری پویا – منفعل و سپس تعاملی ایستا و در هر دو گروه کمترین امتیاز هنر تعاملی پویا – پویا است.



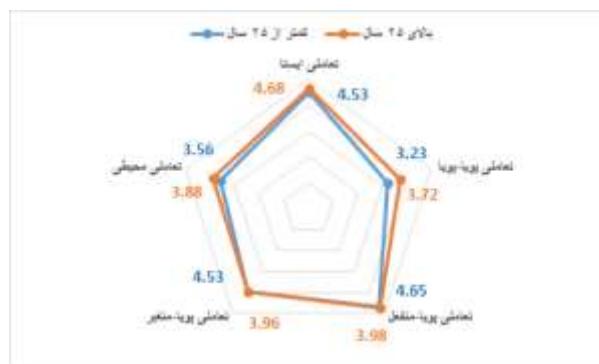
شکل (۲۰): میزان احساس نشاط جوانان از انواع هنرهای تعاملی در فضاهای شهری بر حسب تحصیلات الف کارشناسی و ب کارشناسی ارشد هنر و معماری و غیر هنر و معماری

شکل (۲۱) نشان می‌دهد که میزان احساس نشاط از هنر مبتنی بر صدا و دیجیتال، هنر تعییه شده در عناصر فضا، هنر متناسب با سایت و هنر مبتنی بر فرهنگ عامه در جوانانی که در رده سنی ۲۵-۳۵ هستند بیشترین امتیاز و هنر ایستای انتزاعی کمترین امتیاز و بین جوانان ۱۸ تا ۲۵ سال هنر مبتنی بر صدا و دیجیتال، هنر مبتنی بر دیجیتال، هنر تعییه شده در عناصر فضا و هنر متناسب با سایت بیشترین و هنر ایستای مشاهیر و انتزاعی کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده است.



شکل (۲۱): میزان احساس نشاط جوانان از انواع آثار هنر عمومی در فضاهای شهری بر حسب سن

همچنین با توجه به شکل (۲۲) بیشترین امتیاز احساس نشاط در بین جوانان ۲۵-۳۵ سال مربوط به هنر تعاملی ایستا و سپس هنر تعاملی پویا – منفعل و بیشترین امتیاز احساس نشاط در بین جوانان ۱۸-۲۵ سال اول مربوط به هنر تعاملی پویا – منفعل و سپس هنر تعاملی ایستا می باشد و کمترین امتیاز در بین هر دو رده سنی هنر تعاملی پویا – پویا است.



شکل (۲۲): میزان احساس نشاط جوانان از انواع هنرهای تعاملی در فضاهای شهری بر حسب سن

### نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان داد که از بین انواع هنرهای عمومی در فضاهای شهری، سه هنر مبتنی بر صدا و دیجیتال مانند آبنمای موزیکال، هنر یکپارچه و تعییه شده در عناصر موجود در فضا مانند نقش بر جسته دیواری در بدنه ساختمان‌ها و هنر متناسب با سایت همچو گیاهان فرمدهی شده در پارک‌ها، فارغ از سه معیار جنسیت، سن، تحصیلات و رشته مقبول همه جوانان قرار گرفته و به افزایش نشاط منجر می‌شود. از طرف دیگر هنر ایستای انتزاعی و مشاهیر نیز مورد استقبال بسیار کم جوانان قرار گرفته است. در بین انواع هنرهای تعاملی، هنر تعاملی پویا-منفل و هنر تعاملی ایستای بیشترین امتیاز به ایجاد احساس نشاط جوانان را دارند و بر عکس هنر تعاملی پویا-پویا کمترین امتیاز را کسب کرده است. هنری که مرتبط با فرهنگ عامه و محلی باشد، در بین جوانان مرد و جوانان دانشجویی کارشناسی ارشد غیر هنر و معماری موجب نشاط بیشتر و در بین زنان و دانشجویان کارشناسی هنر و معماری هنر دیجیتال و دیجیتال در نما امتیاز بیشتر را کسب کرد. مضافاً در بین دانشجویان کارشناسی غیر هنر و معماری، هنر کاربردی دو بعدی نیز امتیاز نسبتاً بالایی گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که در طراحی شهرها و استفاده از هنر عمومی برای ایجاد حس نشاط در فضای شهری ایجاد آثار هنری ایستا کاربرد چندانی نمی‌تواند داشته باشد و تمایل به آثار پویا در جوانان بیشتر است. همچنین آثار تعاملی مقبولیت بیشتری نسبت به انواع غیرتعاملی دارد و برنامه‌ریزان شهری باید در هزینه کرد منابع عمومی برای تعییه آثار هنری در فضاهای شهری به این مهم توجه نمایند. تا با تصمیم‌گیری و اقدام درست حضور و مشارکت پذیری، تعامل، نشاط و خاطره انگیزی در فضاهای شهری بیشتر و موثرتر باشد. همچنین استفاده از تکنولوژی‌های روز و خلاقیت در طراحی شهرها از ملزمات مناسب‌سازی فضای شهری با روحیات جوانان است.



## منابع

- خراسانی راده، فرنوش؛ صابری، حمید؛ مومنی، مهدی؛ موسوی، میرنجد (۱۳۹۹). تبیین ساختاری عوامل موثر بر سرزندگی در فضاهای عمومی شهری اصفهان از دیدگاه شهروندان و گردشگران، نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه تبریز، شماره ۷۲، صص ۱۸۱-۱۵۱.
- رنجبر، احسان؛ مطلاعی، نجمه؛ خورشیدپور، حبیب؛ شئونات، حبیب (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر هنر شهری و سیاست‌های ارتقای آن در کلان شهر تهران، دانش شهر، شماره ۳۴۹.
- صالحی، سودابه (۱۳۹۴)، روش‌شناسی‌های تحقیق بصری: خوانش تصویر، فصلنامه نقد کتاب هنر، سال دوم شماره ۵۵، ۲۶۶-۲۵۱.
- قربانیان تبریزی، محمد رضا؛ پورمحمدی، محمدرضا؛ حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۹۹). تبیین الگوهای شکل گیری شهر خلاق با تأکید بر نقش فضاهای عمومی، نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه تبریز، انتشار آنلاین.
- میرزاچی، سارا؛ زنگی‌آبدی، علی (۱۳۹۹). تحلیل فضایی شاخص‌های گردشگری و توسعه شهری با رویکرد شهر شاد (مطالعه موردی: کلانشهر شیراز)، نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه تبریز، شماره ۷۳، صص ۴۰۴-۳۷۹.
- ودادی مقدم، نیوشا (۱۳۹۰)، هنرهای همگانی و نقش آن در سرزندگی فضاهای شهری، پایاننامه کارشناسی ارشد دانشگاه هنر اسلامی تبریز، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی.
- Al Suwaidi, M., & Furlan, R. (2017). The Role of Public Art and Culture in New Urban Environments: The Case of 'Katara Cultural Village.'
  - Amin, A. (2008) Collective culture and urban public space, *City: analysis of urban trends, culture, theory, policy, action* 12 (1):5-24.
  - Amin, A., & Thrift, N. (2002). *Cities: reimagining the urban*. Polity Press.
  - Anderson, B. (2006) Becoming and being hopeful: towards a theory of affect, *Environment and Planning D: Society and Space* 24:733-752.
  - Bishop, K. (2012). The Role of Art in a Paediatric Healthcare Environment from Children's and Young People's Perspectives. *Procedia -Social and Behavioral Sciences*, 38(December 2010), 81–88. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.03.327>
  - Cant, N.J. and Morris, S.G. (2006) Engaging with place: artists, site specificity and the Hebden Bridge Sculpture Trail, *Social and Cultural Geography*, 7(6): 863-888.
  - Chandler, D. (2014). *Introduction—Semiotics for Beginners*.
  - Cresswell, T. (2013) *Geographic Thought, A Critical Introduction*, West Sussex: Wiley-Blackwell.
  - Crowhurst Lennard, Suzanne H., & Lennard, H. L. (1995). Livable cities observed: A source book of images and ideas for city officials, community leaders, architects, planners and all others committed to making their cities liveable.
  - Dixon, D. and Straughan, E. (2013) *Affect*, in N. C. Johnson, R. H. Schein and J. Winders (eds) *The Wiley-Blackwell Companion to Cultural Geography*, Chichester, John Wiley & Sons, pp. 36-38.
  - Edmonds, E., Muller, L., & Connell, M. (2006). On creative engagement. *Visual communication*, 5(3), 307-322.
  - Ghel, J. (2011) *Life between buildings: Using public space*, Washington D.C. Island Press.
  - Glaw, X., Inder, K., Kable, A., & Hazelton, M. (2017). Visual methodologies in qualitative research: Autophotography and photo elicitation applied to mental health research. *International Journal of Qualitative Methods*, 16(1), 1609406917748215.

- Goheen, P.G. (1998) Public space and the geography of the modern city, *Progress in Human Geography* 22(4):479-496.
- Gschwend, R. (2015, September). The Development of Public Art and its Future Passive, Active and Interactive Past, Present and Future. In Arts (Vol. 4, No. 3, pp. 93-100). Multidisciplinary Digital Publishing Institute.
- Harvey, D., & Verwijnen, J. *Public Art and Urban Development*.
- Hawkins, H. (2013) Geography and art. An expanding field: Site, the body and practice, *Progress in Human Geography* 37(1):52-71.
- Hoskyns, T. (2014) *The Empty Place: Democracy and Public Space*, New York: Taylor and Francis.
- Jalaladdini, S., & Oktay, D. (2012). Urban public spaces and vitality: a socio-spatial analysis in the streets of Cypriot towns. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 35, 664-674.
- Johnson, A. M., & Miles, R. (2014). Toward more inclusive public spaces: Learning from the everyday experiences of Muslim Arab women in New York City. *Environment and Planning A*, 46, 1892–1907.
- Jagannath, T. (2015). *The Effect of Public Art on Public Spaces. Poets, Worms and Street Art*. GRIN Publishing.
- Jagannath, T. (2017). People's Interaction with Public Art in Public Spaces within New Zealand, A thesis submitted in partial fulfilment of the requirements for the degree of Master of Planning at the University of Otago, Dunedin, New Zealand.
- Januchta-Szostak, A. (2010). The role of public visual art in urban space recognition. In *Cognitive maps*. IntechOpen.
- Kirchberg, V. (2016). Art and culture as an urban development tool. *Zeitschrift für Kulturmanagement*, 2(1), 51-82.
- Lefebvre, H. (1996) *Writings on Cities* (E. Kofman & E. Lebas Trans). Cambridge: Blackwell –Publishers.
- Lossau, J. and Stevens, Q. (2014) *the uses of Art in Public Space*, New York: Taylor and Francis.
- Maderulo, J. (1994), *La perdida del pedestal*, Madrid, Circulo de Bellas Arts.
- Massey, D. (2005) *For Space*, London: Sage Publications.
- Mansour, H. (2011). The lost identity of the city: The case of Damascus, (August), 0–21.
- MILES, M. (1994) , art in public space winchester school of art.
- Mitrache, G. (2012). Architecture, art, public space. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 51, 562-566.
- Motoyama, Y., & Hanyu, K. (2014). Does public art enrich landscapes? The effect of public art on visual properties and affective appraisals of landscapes. *Journal of Environmental Psychology*, 40, 14–25. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2014.04.008>.
- Obed Bima Wicandra. (2005). Berkommunikasi Secara Visual Melalui Mural Di Jogjakarta. *Nirmana*, 7(2), 126–133. Retrieved from <http://puslit2.petra.ac.id/ejournal/index.php/dkv/article/view/16518>.
- Omar, D., Omar, K. A., Othman, S., & Yusoff, Z. M. (2016). Youth Participation in Urban Neighbourhood Community. *Procedia -Social and Behavioral Sciences*, 234, 309–316. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.10.247>



- Omar, D., Omar, K. A., Othman, S., & Yusoff, Z. M. (2016). Youth Participation in Urban Neighbourhood Community. *Procedia -Social and Behavioral Sciences*, 234, 309–316. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.10.247>.
- Parkinson, J. (2012). Democracy and public space: The physical sites of democratic performance. Oxford University Press.
- Pile, S. (1996) *The Body and The City*, London: Routledge.
- Pile, S. (2010) Emotions and affect in recent human geography, *Transactions of the Institute of British Geographers* 35(1):5-20.
- Pile, S. (2011) For a geographical understanding of affect and emotions, *Transactions of the Institute of British Geographers* 36(4):603-606.
- Pile, S. (2011) For a geographical understanding of affect and emotions ,*Transactions of the Institute of British Geographers* 36(4):603-606.
- Pollock, V. L., & Sharp, J. (2012). Real participation or the tyranny of participatory practice? Public art and community involvement in the regeneration of the Raploch, Scotland. *Urban Studies*, 49(14), 3063-3079.
- Rautio, N., Filatova, S., Lehtiniemi, H., & Miettunen, J. (2018). Living environment and its relationship to depressive mood: A systematic review. *International Journal of Social Psychiatry*, 64(1), 92–103. <https://doi.org/10.1177/0020764017744582>
- Remesar, A. (Ed.). (2001). *Urban regeneration: A challenge for public art* (Vol. 6). Edicions Universitat Barcelona.
- Sigit, E., Elkalam, N., Ma, J., & Kinoshita, I. (2019). An Empirical Study on Role of Art to Raising City Image from the Context of Youth Perceptions: Semarang City, Indonesia. *Asian Journal of Behavioural Studies*, 4(16), 1-17.
- Sepe,M.(2017).the role of public space to achive urban happiness, *Urban Regeneration and Sustainability*, Vol 96, www.witpress.com, ISSN 1755-8336 (on-line)364-373.
- Southworth, M. (2003). Measuring the liveable city. *Built Environment* (1978-), 343-354.
- Suthasupa, S. (2012). The Portrayal of a City's Image by Young People. *Procedia -Social and Behavioral Sciences*, 38(December 2010), 284–292. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.03.350>.
- Thein, D. (2005) After or beyond feeling? A consideration of affect and emotion in geography Area37(4):450-456
- Tsevreni, I. (2014). The Empowering Role of Art in a Critical Pedagogy of Place. *Children, Youth and Environments*, 24(1), 138–157.
- Zebracki, M. (2012) Engaging geographies of public art: indwellers, the Butt Plug Gnome and their locale *Social and Cultural Geography* 13(7):735-758.
- Zebracki, M. (2013). Beyond public artopia: public art as perceived by its publics. *GeoJournal*, 78(2), 303-317.
- Zukin, S. (1995). *The cultures of cities*, Cambridge: Blackwell Publishers.